تحلیل مسأله، ضرورت کار طلبگی

فرمایش دیروز آقا هم باشد، اینها مقدماتی است که همه جا به درد میخورد. ولو شما میگویید دوباره به صفحه یازدهم برگشتید! من تقریباً اطمینان دارم که علماء بزرگ برای امثال من طلبه سفارششان این بوده که سعی کنید مطلب را بفهمید. شوخی نیست؛ من هر دو نقل را شنیدهام. علماء بزرگ میفرمودند؛ خودم بلاواسطه نشنیده ام، با نقل دیگران شنیدهام. آن عالم در مورد هم مکاسب و هم جواهر -هر دو را شنیدهام- می فرموده اگر کسی یک صفحه جواهر را برای من بخواند، من اجازه اجتهاد به او میدهم. در نقل دیگر صفحه مکاسب را شنیده بودم. این یعنی بخواند، مثل اینی که من برای شما میخوانم؟! بخواند یعنی بفهمد. لذا اگر برگردیم خیلی ایرادی نیست. این سفارش علماء بوده.

در ایامی که مباحثه میکردیم، خاطرات لطیفی از رفقایم دارم. دو رفیق داشتیم که هر کدام رفتار ملیحی داشتند. یکی از آنها وجب میکرد. میگفت امروز چند وجب خواندهایم. مباحثه وجبی بود! این هم یک جور است. یا انگشت میگذاشت و میگفت مثلاً امروز دو انگشت خواندهایم! چهار انگشت خواندهایم! یکی دیگر از رفقای ما میگفت که قوام کار ما این است که کتاب ورق بخورد. میگفت امروز که ورق نزده ایم. اگر ورق نمی زدیم مباحثه نبود! اینها شوخی هایی بود. وجب کردن و ورق زدن برای یک فضایی خوب است.

خب در این عبارتی که مرحوم سید فرمودهاند و آن توضیحی که دیروز آقا برای مرام سید داشتند و بحث شد، مقدمتا مطلبی را عرض میکنم بعد اگر فرمایش شما نشد، توضیح میدهم.

در آخر مباحثه هم در اینجا بحث شد که در اینجا چند ظن داریم؛ اینها با هم [مخلوط نشود]. اول باید مسأله را تحلیل کنیم. ادعای دیروز ما این بود که مبنای مرحوم سید در اینجا، این نیست که رؤیت قبل از زوال خودش همینطوری حجیت دارد. بلکه از باب یک ظن خاص حجیت دارد. از این باب که رؤیت قبل از زوال موجب ظن به این است که دیشب وقت غروب هلال داشتیم حجیت دارد. مبنای سید این است.

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 16:20:57 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 16:21:24 توسط ... .